



شاعری از مغرب زمین که شیفته شرق بود/ دیوان حافظ، منبع الهامات شاعرانه گوته

در طبقه همکف خانه - موزه گوته، تعداد زیادی از اسناد، عکس‌های خانوادگی خاندان و اجداد این شاعر آلمانی، در جعبه‌های بزرگ شیشه‌ای نگهداری می‌شوند. از جمله این آثار، یکی هم دیوان حافظ است که صفحه اول آن به روی شما گشوده شده است: «الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها...»

در طبقه همکف خانه - موزه گوته، تعداد زیادی از اسناد، عکس‌های خانوادگی خاندان و اجداد این شاعر آلمانی، در جعبه‌های بزرگ شیشه‌ای نگهداری می‌شوند. از جمله این آثار، یکی هم دیوان حافظ است که صفحه اول آن به روی شما گشوده شده است: «الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها...»

خبرگزاری مهر - گروه فرهنگ و ادب: نمایشگاه امسال کتاب فرانکفورت برای خبرنگارانی که از ایران برای پوشش این رویداد بین‌المللی اعزام شده بودند، همچنین فرصتی بود تا دیداری هم با گوته داشته باشند؛ شاعری که گرچه شهرت جهانی دارد، اما رابطه نزدیکی که با اشعار حافظ برقرار کرده، او را برای ایرانی‌ها هم به شاعری شناخته شده تبدیل کرده است.

این شاعر و نویسنده آلمانی (1749 - 1832) در سال 1749 میلادی در فرانکفورت و در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا آمد. گوته در محیطی متمدن و با فرهنگ پرورش یافت و در سال 1765 برای تحصیل در رشته حقوق به «لایپزیک» رفت و اوقاتش را در دانشگاه، زندگی دانشجویی و البته محافل اشرافی می‌گذراند.

گوته در همین سال‌ها عاشق شد و این عشق، الهام بخش سرودن اشعاری شد که بعدها در «دیوان آنته» در سال 1767 به چاپ رسید. قدرت بیان و قلم توانای این شاعر آلمانی در مردم کشورش سخت تاثیر کرد و وی را در شمار شاعران و نویسندگان برجسته قرار داد. سرانجام گوته در شهر «وایمار» مقیم شد و در تمام رشته‌های ادب اعم از نظم و نثر، نمایشنامه، داستان و نقد به مقام استادی رسید. او در سال 1794 با «شیلر» دیگر شاعر مطرح آلمانی، پیوند دوستی برقرار کرد که 10 سال ادامه داشت و در خلال آن شگفتگی گوته بیشتر آشکار شد.

ناپلئون بناپارت در سال 1808 به دیدار گوته رفت و نشان «لژیون دونور» را به او داد. آثار برجسته گوته عبارت‌اند از: ورتتر، فاوست، ایفی ژنی، اگمونت، سال‌های ویلهلم مایستر، نامزدی کورنت، نغمه‌های رومی، هرمان و دوروته و دیوان شرقی و غربی. گوته از دوستداران شعر حافظ به شمار می‌آید اما این شاعر اهل فرانکفورت چگونه با خواجه شیراز آشنا شد؟ ایرانی‌ها از گوته بسیار شنیده‌اند اما از «یوزف فون هامر پورگشتال» که گوته را با دیوان حافظ آشنا کرد، تقریباً چیزی نمی‌دانند. این ایران‌شناس و شرق‌شناس اتریشی، از دوستداران فرهنگ ایران بود و در واقع به مدد ترجمه او بود که گوته به حافظ علاقه‌مند شد و «دیوان شرقی غربی» را سرود.

این ایران‌شناس اتریشی در سال 1800 مترجم و منشی آدمیرال انگلیسی «سر ویلیام سیدنی» در هنگام لشکرکشی علیه فرانسویان در مصر بود. پورگشتال در 1802 برای بار دوم به استانبول اعزام شد و همانجا با غزلیات حافظ آشنا شد و تصمیم به ترجمه آن‌ها گرفت. ترجمه آلمانی او از غزلیات حافظ در سال 1812 منتشر و سبب شد گوته مسحور غزلیات حافظ شود.

خانه، موزه گوته که در واقع خانه پدری گوته است، در یکی از خیابان‌های باریک و سنگ فرش منطقه مرکزی فرانکفورت به نام «گروبر هیرشگرابن» واقع است. در بدو ورود به این مرکز فرهنگی، کارت خبرنگاری (press) را به مسئول ورود افراد ارائه می‌کنم، برخلاف بسیاری از مراکز فرهنگی ایران که امکانی برای ورود و بازدید خبرنگاران پیش‌بینی نکرده‌اند، کارت خبرنگاری برای ورود به تمامی مراکز فرهنگی آلمان، کفایت می‌کند.

تعدادی از اسناد و اشیای موزه گوته از جمله کفش‌های او

البته همین جا خوب است به یک ایراد هم در این قسمت مهم از خانه موزه گوته اشاره کنم؛ راهنمایان بروشورهایی را در اختیار بازدیدکنندگان می‌گذارند و البته پیش از آن زبانی را که آنها به آن سخن می‌گویند، از بازدیدکنندگان می‌پرسند تا بروشور به همان زبان را به او بدهند. با این حال بروشوری به زبان فارسی در این خانه موزه برای گردشگران فارسی زبان وجود ندارد. به راهنمای این بخش می‌گویم «گوته برای ما ایرانی‌ها به اندازه خود حافظ دوست داشتنی است به سبب عشقی که او به اشعار خواجه شیراز داشت... بد نبود اگر بروشوری هم به زبان فارسی و برای فارسی‌زبان‌ها تهیه می‌کردید» راهنما با احترام، این ایراد را می‌پذیرد و می‌گوید «حالا که اینطور است من آماده‌ام شخصاً هر سوالی که شما درباره خانه، موزه داشته باشید، پاسخ بدهم». این ایراد کوچک را می‌گذارم و می‌گذرم تا زمان را برای دیدن این جای دیدنی از دست ندهم...

در ورودی خانه، موزه گوته، صندلی‌های راحتی قابل حمل برای بازدیدکنندگان تدارک دیده شده است تا به جای اینکه روی صندلی‌های چند صد ساله خانه بنشینند و طبیعتاً موجبات آسیب به آنها را فراهم کنند، هر جایی که احساس خستگی کردند، روی این صندلی‌ها خستگی در کنند.

دیوان حافظ در خانه گوته

پیش از ورود به طبقات فوقانی خانه، در سالن طبقه همکف تعداد زیادی از اسناد، عکس‌های خانوادگی خاندان «یوهان ولفگانگ فون گوته» و اجداد آنها و برخی کتاب‌هایی که گوته بیشتر به آنها مراجعه کرده است، در مخازنی شیشه‌ای و به شکلی کاملاً استاندارد نگهداری می‌شوند. از جمله آثار اخیر، یکی هم دیوان حافظ است که صفحه اول آن گشوده شده است: «الا یا

در همین طبقه و در ورودی دیگر، اولین اتاق از سمت راست ورودی، آشپزخانه گوته قرار دارد. فضای پخت و پز و آشپزخانه، زیست گوته و فضای آن دوره را به روشنی به ذهن متبادر می‌کند؛ ظروف مرغوب که روی طاقچه اجاق آجری گذاشته شده‌اند، ظروف کیک‌پزی و بشقاب‌های چینی حاشیه‌دار بر جاذرفی چوبی روی دیوار، پمپ آب که به مخزنی در سرداب خانه متصل است. ورودی طبقه همکف از در پشت ساختمان، رو به پاگرد پلکان طبقات بالا است. مبلمان پاگرد، از یک کمد چوبی بزرگ، جعبه اطفاء حریق و ساعتی ساخته و هدیه شده از سوی فروشگاه یکی از نزدیکان خانواده گوته، تشکیل شده است.

بخشی از ظروف مورد استفاده گوته به همراه سرداب خانه

اتاق‌های خانه گوته با کاغذدیواری‌های تیره و پنجره‌های بلندی که آفتاب را به درون اتاق می‌آورند، کنتراست زیبایی از رنگ‌ها را ایجاد می‌کند به خصوص اگر در روزی آفتابی به این مرکز فرهنگی در شهر غالباً ابری و بارانی فرانکفورت آمده باشید. در یکی از اتاق‌ها کاناپه‌ای نسبتاً بزرگ و بدون پشتی و با دو دسته برجسته در دو سو، نظرت را به خود جلب می‌کند. می‌توانی گوته را در ذهنت تصویر کنی که روی این کاناپه دراز کشیده و احياناً از خواندن غزلی از حافظ به آلمانی لذت می‌برده است.

راهروهای بین اتاق‌ها و همچنین راه‌پله‌های خانه - بجز طبقات همکف و 2 - از چوب است. برایم آشکار نشد آیا این همان کف چوب 200 سال پیش است که گوته روی آن راه می‌رفته یا هر چند سال یک بار بازسازی می‌شود. در هر یک از این دو حالت، صدای جیرجیر چوب‌ها زیر پایت، تو را نهیب می‌دهند که آرامتر قدم برداری. با این حال در هر یک از این راهروها و همچنین اتاق‌ها، دستگاه‌های لرزه‌نگاری نصب شده و چنانچه تعدادی بیشتر از حد مجاز روی آنها راه بروند، این دستگاه به صدا درمی‌آید و کمترین مشکلات کنترل می‌شود. عرض راه پله‌ها هم حدود 1.5 متر است و راه رفتن روی آنها آرامش‌بخش.

راه پله و فضای درون برخی از اتاق‌های خانه گوته

در یکی از اتاق‌ها، کلکسیونی از یادگاری‌های خانواده گوته دیده می‌شود که آنها را از سال 1775 به بعد دریافت کرده‌اند. یکی از آنها، پرتره‌ای از گوته جوان است که به همراه چند پرتره دیگر، دیوارهای نخودی رنگ اتاق را پر کرده است. اتاق غذاخوری با میز چوبی گردی در وسط و یک لوستر طلایی‌رنگ که روی آن شش شمع قرار دارند، آراسته شده است.

عکس بزرگی نیز روی دیوار دیگری از یکی از اتاق‌ها قرار دارد که روزگاری را در کودکی گوته حکایت می‌کند؛ روزگاری که در دوران تغییر مدل خانه، آن را در اتاق زیر شیروانی بر روی تخت‌های بچه‌ها می‌کشیدند تا آنها را از باران محافظت کند. ظروف چینی دست‌ساز در یکی دیگر از کمدهای خانه به همراه بالشتک سوزن‌دوزی شده کنار پنجره، نشانه‌های دیگری است به جا مانده از کارهای دستی در خانواده گوته.

در یکی دیگر از اتاق‌ها پیانوی دیواری سرخ‌رنگی که پنج نقاشی رنگ روغن بر دیوار خاکستری پشت آن آویخته شده است، نظرها را به خود جلب می‌کند. دو مبل قدیمی در دو طرف این پیانو و کفپوش چوب خودرنگ، فضای این اتاق را زیباتر کرده است.

یکی از اتاق‌ها، اتاق مادر گوته است که پرتراش بر دیوار است. فنجان‌های چیده شده در گوشه و کنار اتاق هم احتمالاً نشان از نوشیدنی مورد علاقه مادر اوست، یعنی «شکلات داغ».

در طبقه دوم و در یکی از اتاق‌ها، سرانجام چشمان به کتابخانه گوته می‌خورد؛ کتابخانه‌ای با حدود 2000 جلد کتاب در حوزه‌های مختلف علمی که ظاهراً توسط پدر گوته خریداری شده‌اند. اتاق «کورنلیا» دختر خانواده (خواهر گوته) نیز در طرف مقابل یعنی سمت راست پلکان واقع شده است.

در آخرین طبقه از این خانه، موزه، اتاقی به عنوان «سالن خیمه شب‌بازی» وجود دارد که در وسط آن نمایش‌خانه‌ای بر پایه‌ای چوبی گذارده شده بوده، همان چیزی که گوته در رمان «رسالت نمایشی ویلیام میستر» به آن اشاره کرده است. او در چهار سالگی این نمایش‌خانه را هدیه گرفته بوده و آن را یکی از منابع الهام‌بخش خود در نگارش نمایشنامه‌هایش می‌دانست.